

ضرورت تشکیل دادگاه جهانی حقوق بشر

حسین آقایی جنت مکان*

عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه چمران اهواز

(تاریخ دریافت: ۸۷/۶/۱۸؛ تاریخ تصویب: ۸۷/۹/۲۰)

چکیده

نظام جهانی حقوق بشر با همه قدمتی که دارد، فاقد ضمانت اجراهای لازم می‌باشد. بیش از ۶۰ سال از تصویب اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر می‌گذرد، اما هنوز جهانیان در زمینه تعبیه سازوکارهای مناسب جهت دستیابی به رعایت^۱ و تضمین^۲ معیارهای حقوق بشر، ناکام مانده‌اند. نظام حقوق بشر بین‌الملل از یک طرف، دچار تورم هنجاری شده است، از سوی دیگر، در زمینه اجرای حقوق بشر، تاکنون توفیق زیادی کسب نکرده است. از قدیم گفته‌اند - و به درستی هم گفته‌اند - هر جا که ضمانت اجرا وجود ندارد، حق نیز وجود ندارد. ایده تشکیل یک دادگاه جهانی حقوق بشر می‌تواند به شناسایی بیش‌تر این حقوق و شفافیت و اجرای عملی آنها بینجامد. با وجود این، موانعی چند در مسیر تشکیل دادگاه جهانی حقوق بشر وجود دارد. از جمله این موانع، حاکمیت ملی دولت‌ها و اصل رفتار متقابل و مساوی از یک سو، و مشروعیت و آگذاری صلاحیت کیفری مراجع ملی به یک دادگاه کیفری بین‌المللی از سوی دیگر، می‌باشد. تحقیق در این جستار به روش تحلیلی - توصیفی می‌باشد که از طریق منابع کتابخانه‌ای و مطالعه پیرامون پیشینه تأسیس نهادهای قضایی و شبه قضایی صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد، با توجه به حقوق بین‌الملل عرفی و قراردادی و رویه قضایی بین‌المللی و رویه‌ی دولت‌ها در این زمینه، موانع پیش گفته در مسیر تأسیس دادگاه جهانی حقوق بشر، اهمیت و قداست خود را از دست داده‌اند. هم‌چنین ارتقای سطح ارزش‌های حقوق بشری از سوی دیگر، تأسیس دادگاه جهانی حقوق بشر را ضروری می‌داند و تسریع در تشکیل آن را ایجاب می‌نماید.

واژگان کلیدی:

تشکیل، دادگاه، جهانی، حقوق بشر، ضرورت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

Email: housein-aghaei@yahoo.com

۰۹۱۲۳۸۷۳۳۱۸

* تلفن نویسنده:

1. Respect
2. Ensure

مقدمه

در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸^۱، در قصر شایوی^۲ پاریس، دبیرکل مجمع عمومی، دکتر اچ.وی.اوات^۳ (وزیر امور خارجه استرالیا) ظهور قانون جدیدی را در زمینه حقوق بشر اعلام کرد (رابرتسون، ۱۳۸۳، ص ۲۱). از آن زمان تاکنون نزدیک به ۶۰ سال می‌گذرد. تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر^۴، اولین فرصت برای احیای حقوق بشر بوده است. از زمان تولد حقوق بشر، تاکنون پیشرفت‌های غیر قابل انکاری در دستیابی به اهداف مورد نظر صورت گرفته است، اما برای رسیدن به نقطه مطلوب راه درازی در پیش است. سازوکارهای پیش‌بینی شده در اعلامیه فوق و میثاق‌های پیوست آن، به منظور تضمین رعایت و احترام به حقوق بشر، تاکنون در انجام این وظیفه ناکام بوده‌اند. این ناکامی را می‌توان در سخنان^۵ و اظهارنظرهای دست‌اندرکاران حقوق حقوق جهانی بشر^۶ احساس کرد. از طرف دیگر، ایجاد کمیته‌های متعدد برای نظارت بر حقوق بشر، نظیر کمیته حقوق بشر^۷، کمیته ضد شکنجه^۸، کمیته ضد تبعیض نژادی^۹، کمیته بین‌المللی

۱. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر را به تصویب رساند. این روز به نام «روز حقوق بشر» نام گذاری شده است.

2. Palais Chailot

3. H.V. Evatt

4. The Universal Declaration of Human Rights

۵. مری رابینسون، عضو کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۹۸ گفت: اگر تمام نتایج پنجاه سال عملکرد سازوکارهای حقوق بشر را مدنظر قرار دهیم، سی سال از برنامه‌های توسعه چندین میلیارد دلاری این عملکرد را سخنان مطمئن و بی‌پایانی تشکیل می‌دهد که تأثیر ناچیزی داشته است. این امر ناشی از نقص در سیاست‌های اجرایی است؛ به گونه‌ای که مایه شرمندگی همگان است. به نقل از رابرتسون، جفری، جنایات علیه بشریت. برگردان گروه پژوهشی ترجمه دانشگاه علوم رضوی. انتشارات دانشگاه علوم رضوی. ص ۳۳.

۶. نهادهای بین‌المللی مانند کمیسیون حقوق بشر، سازمان ملل متحد و نهادهای نظارتی منطقه‌ای، کار نسبتاً ناچیزی برای توسعه مبانی نظری و تحقق عملی حقوق مشارکتی انجام داده‌اند. ر.ک: گودوین گیل، گای اس. انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین‌المللی. سید جمال سیفی و قاسم زمانی (مترجمان) ۱۳۸۶، چاپ دوم ص ۲.

7. The Human Rights Committee

8. Committee against Torture

9. Racial Discrimination, International Convention on elimination of all Forms (1965)

محو کلیه اشکال تبعیض آمیز علیه زنان^۱ (و اخیراً شورای حقوق بشر^۲ که جانشین کمیسیون حقوق بشر گردیده است) که در طول تقریباً ۳۰ سال در رابطه با ۱۰۰ کشور عضو کم‌تر از ۵۰۰ رأی غیر لازم‌الاجرا درخصوص شکایات اشخاص صادر کردند، نشان از عدم توفیق آنان دارد.^۳

اینک پس از گذشت ۶ دهه، زمان استفاده از دومین و مهم‌ترین فرصت تضمین حقوق ذاتی بشر فراهم آمده است؛ یعنی تشکیل دادگاه جهانی حقوق بشر. تشکیل دادگاه جهانی حقوق بشر به حکومت‌ها چگونگی رفتار با اتباع خود را می‌آموزد. چرا که دیگر زمان بی‌تفاوتی جامعه جهانی نسبت به رفتار حکومت‌ها با مردم خود، گذشته است. دیگر دولت‌ها نباید تماشاگر تخلفات دولت‌های دیگر باشند. بدیهی است، جامعه بین‌المللی آن دولت خودکامه‌ای را که به هر شکل حقوق اولیه مردم خویش را زیر پا می‌گذارد، تحمل نخواهد کرد. چنین حکومتی نه شایسته حکومت بر مردم خود می‌باشند و نه لایق عضویت در جامعه جهانی.^۴

بی‌شک باید سخن متهورانه رییس^۵ یکصد و یکمین کنفرانس اتحادیه بین‌المجالس (که از ۱۰ تا ۱۶ آوریل ۱۹۹۹ در بروکسل برگزار شد)، را واقعیتی غیر قابل انکار دانست که گفته است: «در آستانه هزاره سوم، جامعه بین‌المللی دیگر حق ندارد، چون گذشته نسبت به برخی واقعیت‌ها اغماض روا دارد. جامعه بین‌المللی موظف است برای تضمین رعایت حقوق افراد و ملت‌ها مداخله کند.»^۶ طومار ۱۳ میلیون امضایی از سراسر جهان خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد، خواستار تحقق وعده‌های اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر بود، اما نظام سازمان ملل، چه از نظر ساختاری و چه از نظر روان‌شناختی، قادر به تحقق این وعده‌ها نیست.

حوادث سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۸ در شوروی سابق که میلیون‌ها نفر در دادگاه عالی به مرگ محکوم شدند و در نهایت، به جوخه اعدام سپرده شدند (رابرتسون، ۱۳۸۳، ص ۵۳)، هم‌چنین، دادگاه‌های تصفیه و نتایج از پیش تعیین شده آن برای «دشمنان خلق» (شلیک گلوله‌ای در مغز متهم و سپس به خاک سپردن او در نقطه‌ای نامعلوم) دوره‌ای طولانی از تاریخ روسیه را در ابهام

1. Committee on the Elimination of Discrimination against Women

2. The UN Human Rights Council

3. Nowak, Manfred. Introduction to the International human Rights Regime (Leiden: Martinus Nijhoff, 2003) p. 100.

۴. آنان که حرمت مردمان خویش را پاس ندارند، قطعاً برای حقوق دیگر ملت‌ها نیز هیچ ارزشی قابل نیستند.

۵. رایموند لنگندریز

6. Inter-parliamentary Bulletin, 79 Year, 1999, First Half, p. 58.

به نقل از گودوین گیل، گای اس. پیشین، ص ۱۶.

فرو برد (رابرتسون، ۱۳۸۳، ص ۵۶). از سوی دیگر، حوادث شیلی و آنچه در صربستان رخداد و در عراق سر برآورد و در رواندا و سودان به اوج خود رسید؛ نظیر پروژه ناپدیدسازی پینوشه در آمریکای جنوبی که هزاران نفر را قتل عام کرد، همگی حاکی از دغدغه و نگرانی فعالان حقوق بشر در سراسر این جهان پهناور می‌باشد. آیا جهانیان اطمینان دارند که تصاویر رنگی اجساد بر روی هم انباشته - همانند آنچه در بوسنی و رواندا - رخ داد، دیگر تکرار نخواهد شد؟

امروزه، شاهد نقض‌های مکرر و فراینده حقوق بشر در عرصه آزادی‌های مدنی و سیاسی در بسیاری از کشورهای جهان هستیم. از گزارشات مربوط به نقض حقوق افراد، به ویژه شکنجه (طبق آخرین آمار موجود، ۷۳ کشور جهان به طور سازمان یافته دست به شکنجه می‌زنند) در اقصی نقاط گیتی، هویدا می‌گردد که یکی از دغدغه‌های اصلی مجامع بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی، توسل به این روش نامشروع و غیرانسانی در جهت سرکوب مخالفان و تهدید و ارباب آنان می‌باشد.

مهم‌تر از همه، نقض حقوق بشر در زمان صلح است که در بعضی موارد خود دولت طراح و مجری آن می‌باشد یا با تأیید آن صورت می‌گیرد. در نتیجه دادگاه‌های داخلی نسبت به وقوع آن، توجهی نشان نمی‌دهند (نوع پرست، ۱۳۸۱، ص ۱۱۶) یا اساساً مرجعی برای رسیدگی پیش‌بینی نشده است. برای نمونه، در سال ۱۳۸۶ در جریان برگزاری انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی، هیأت‌های نظارت شورای نگهبان قانون اساسی ایران و هیأت‌های اجرایی وزارت کشور، شمار زیادی (حدود ۳۵۰۰ نفر) از داوطلبان نامزدی در انتخابات هشتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی را از حق انتخاب شدن محروم ساختند. بالای ۹۰ درصد از این رد صلاحیت‌ها به دلایل واهی و بی‌اساس و بر اساس معیارهای سیاسی - ایدئولوژیکی (بر اساس تفسیر اقتدارگرایانه حکومت) صورت گرفته است. شورای نگهبان به عنوان ناظر بر جریان انتخابات، بدون دعوت از رد صلاحیت‌شدگان و استماع دیدگاه‌ها، آنان را از شرکت در انتخابات محروم ساخت. این شورا حتی حاضر نشد، دلایل محرومیت افراد را به آنان ارایه یا گوشزد نماید. نگارنده که خود یکی از قربانیان تصمیم فوق می‌باشد، تاکنون از دلایل و مبانی رد صلاحیت خود بی‌اطلاع است. تلاش برای کسب اطلاع نیز تاکنون نتیجه‌ای به همراه نداشته است. حال سؤالی که مطرح می‌شود، این است که مرجع شکایت از نقض حقوق بشر افراد توسط این شورا کجاست؟ چه سازوکار داخلی وجود دارد که بتوان از اقدام شورای نگهبان شکایت کرد؟

در نوشتار حاضر، (الف) ابتدا به ماهیت و جایگاه ارزش‌های حقوق بشری پرداخته می‌شود، (ب)، سپس به ترتیبات سازمانی حمایت از حقوق بشر اشاره می‌شود، (ج) در قسمت بعدی رابطه بین دادگاه جهانی حقوق بشر با دادگاه‌های ملی و بین‌المللی تبیین می‌شود، (د) در پایان، موانع تشکیل دادگاه جهانی حقوق بشر مورد بحث قرار خواهد گرفت.

الف- ماهیت و جایگاه ارزش‌های حقوق بشر

ارتقای سطح ارزش‌های حقوق بشری به عنوان حقوق جهانی، سلب ناشدنی^۱ و غیرقابل تجزیه^۲ از یک سو، و یافتن جایگاه تعهدات همگانی^۳ و حتی تبدیل پاره‌ای از این قواعد به قواعد آمره^۴ (سان خوزه جیل، ۱۳۷۹، ص ۲۶۴؛ عباسی اشلقی، ۱۳۸۲، ص ۴۲) از سوی دیگر، تشکیل یک دادگاه بین‌المللی را برای تعقیب موارد نقض حقوق بشر ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

در حال حاضر، تردیدی باقی نمانده است که حقوق بشر، حقوقی جهانی است. در طی جلسات مقدماتی برای کنوانسیون جهانی وین، مسأله جهانی بون حقوق بشر، توجه دقیق نمایندگان دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی (NGOs) و سایر صاحب‌نظران را به خود جلب کرد (وارنر، ۱۳۸۲، ص ۱۴).

اعلامیه‌ی نهایی جلسه منطقه‌ای برای آفریقا، تونس (۲۶ نوامبر ۱۹۹۲)، اعلامیه‌ی جلسه منطقه‌ای برای آمریکای لاتین و کارائیب در سان خوزه (۱۹۹۳)، اعلامیه‌ی جلسه منطقه‌ای برای آسیا در بانکوک، (۲۹ مارس تا ۲ آوریل ۱۹۹۳)، اعلامیه‌ی وین و برنامه اجرایی آن، بر خصلت جهانی بودن حقوق بشر به عنوان یک مسأله انکارناپذیر تأکید دارند. سازمان‌های غیردولتی نیز به طبیعت جهانی حقوق بشر اذعان داشته و کمک شایان توجهی به درک این مفهوم کرده‌اند. اعلامیه‌ی سازمان‌های غیردولتی آفریقا در تونس (۶ نوامبر ۱۹۹۲)، اعلامیه‌ی سازمان‌های غیردولتی در بانکوک (۲۷ مارس ۱۹۹۳) و اعلامیه‌ی کوئیتسوی سازمان‌های غیردولتی آمریکای لاتین و کارائیب (۳۰ می ۱۹۹۳) بر خصلت جهانی حقوق بشر تأکید دارند.

خانم مری رایبسون^۵، رئیس‌جمهور ایرلند و گزارش‌گر کل کنفرانس حقوق بشر در آغاز

1. Indienable
2. Indispensable
3. Erga Omnes
4. Jus Cogens
5. Mary Robinson

قرن بیست و یکم اظهار عقیده کرده است که: با تعقیب روابط میان ارزش‌های اساسی... می‌توان ادعای جهانی بودن را به اثبات رساند (وارنر، ۱۳۸۲، ص ۱۴۱). ناگفته نماند عده‌ای نیز با جهانی بودن قوانین حقوق بشر مخالفت می‌ورزند و دلیل مخالفت خود را نیز نقض گسترده این حقوق در سطح جهانی می‌دانند (وارنر، ۱۳۸۲، ص ۱۲۰).

دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه‌ی بارسلونا تراکشن^۱ احترام به حقوق بشر را تعهدی در قبال کل جامعه بین‌المللی (تعهد ارگا امنس) تلقی کرده است (رستم‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۵). کمیته حقوق بشر نیز در تفسیر کلی شماره ۳۱ مربوط به ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌گوید که هر یک از دولت‌ها برای رعایت تعهدات حقوق بشری مندرج در میثاق توسط هریک از دولت‌های دیگر، دارای منفعت حقوقی است. کمیته هم‌چنین، عقیده دارد که اعلام تخلفات احتمالی به دولت متخلف توسط دولت‌های دیگر و مطالبه انجام تعهدات حقوق بشری، به هیچ وجه نباید عملی غیردوستانه محسوب شود، بلکه این کار نمایانگر منفعت مشروع جامعه بین‌المللی است.^۲

قاضی تاناکا، در نظر مخالف خود در قضایای آفریقای جنوب غربی، مرحله دوم (۱۹۶۶) اظهار داشت: حقوق بشر از مفهوم شخص انسان ناشی می‌شود. دولت‌ها حقوق بشر را ایجاد نمی‌کنند، بلکه فقط وجود آن را تأیید می‌کنند (رستم‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۱).

قواعد حقوق بشر از جمله‌ی قواعد آمره می‌باشند (سان خوزه جیل، ۱۳۷۹، ص ۲۶۴). اصل ممنوعیت شکنجه امروزه در حقوق بین‌الملل به دلیل اهمیت و شأنی که در حراست انسانی دارد، به مرتبه‌ی قاعده‌ی آمره و در ردیف تعهدات همگانی درآمده است.^۳ به همین دلیل، تعهد دولت‌ها در رعایت چنین قاعده‌ای، تعهد همگانی بوده و هر دولتی در مراعات آن نفعی حقوقی داشته و نقض آن از سوی هر دولتی، موجب مسئولیت بین‌المللی آن در قبال کل جامعه بین‌المللی می‌شود (نیک نفس، ۱۳۸۴، ص ۱۹۱؛ رنجبریان، ۱۳۸۷، ص ۲۰۷؛ پروین، ۱۳۸۷،

1. Barcelona Traction

2. HRC, General Comment No.31, para.2.

۳. شعبه اول دادگاه کیفری رسیدگی به جنایات جنگی در یوگسلاوی (T.P.I.Y) در رای پرونده (furundzija) مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۹۸، یادآوری می‌نماید که منع شکنجه علاوه بر اینکه دارای بُعدی همه‌گیر (erga Omnes) است، بلکه « به دلیل اهمیت ارزش‌هایی که حمایت می‌کند، اصلی است که سازنده قاعده‌ی آمره بوده...». رک: پیر، ماری دیویی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۳.

ص ۱۱۵؛ سان خوزه جیل، ۱۳۷۹، ص ۲۶۴؛ پیر، ۱۳۸۴، ص ۲۴۲) اعضای موسسه حقوق بین‌الملل در اجلاس سن ژاک دو کمپوستل^۱ در ماه سپتامبر ۱۹۸۹ قطع‌نامه‌ای تحت عنوان «حمایت از حقوق بشر و اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها» تصویب نمودند که ماده ۱ آن به شرح زیر است:

«حقوق بشر تجلی بارز کرامت انسان می‌باشد. تکلیف دولت‌ها به تضمین رعایت آنها ناشی از شناخت همین کرامتی می‌شود که از قبل منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر آن را اعلام کرده‌اند» (سان خوزه جیل، ۱۳۷۹، ص ۲۶۴).

امروزه، حتی موضوع حقوق بشر به یک سبب‌ساز گسست و پیوند روابط میان دو بازیگر بین‌المللی تبدیل شده است؛ زیرا به ادعای برخی کشورهای باختر زمین، حقوق بشر می‌تواند ماهیت روابط بازیگران نظام بین‌المللی را دستخوش تغییر و تحول کند. اتحادیه اروپا در همین زمینه، شرط حقوق بشر در روابط سیاسی و بازرگانی با برخی از واحدهای سیاسی را به کار می‌گیرد (ذاکریان، ۱۳۸۶، ص ۶۹). افزون بر آن، در سال‌های اخیر، نقض شدید و وسیع حقوق بشر، به یکی از نگرانی‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد تبدیل گردیده است، تا جایی که در مواردی آن را از مصادیق تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی کرده است (تاموشات، ۱۳۸۶، صص ۲۵۸-۲۵۹؛ رابرتسون، ۱۳۸۳، ص ۶۳). تصویب قطع‌نامه‌های متعدد از سوی شورای امنیت، گویای صحت این مطلب است (قطع‌نامه شماره ۵۵۴ (۱۹۸۴) مبنی بر ابطال قانون اساسی آفریقای جنوبی، قطع‌نامه ۷۹۴ (۱۹۹۲) در مورد سومالی، قطع‌نامه ۹۲۹ (۱۹۹۴) در مورد رواندا. ناگفته نماند چنانچه شورای امنیت، وجود وضعیتی را نقض صلح و تهدید علیه امنیت بین‌المللی تلقی نماید می‌تواند، با ارجاع موضوع به دیوان کیفری بین‌المللی بر اساس بند ب ماده ۱۳ اساسنامه دیوان اقدام نماید.

ب- ترتیبات سازمانی حمایت از حقوق بشر

مهم‌ترین و نخستین مکانیزم در سطح جهانی برای پی‌گیری^۲ اهداف حقوق جهانی بشر در سال ۱۹۴۶ در نخستین نشست شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد با عنوان کمیسیون حقوق بشر^۳ بر پایه متن منشور، به ویژه ماده ۶۸ آن صورت گرفت. کمیسیون حقوق

1. Saint Jacques de Compostelle

2. Follow-up

3. United Nation Commission on Human rights

بشر در بیش از نیم سده فعالیت خود خدمات چشمگیری به بهبود حقوق بشر در جامعه جهانی کرده است (مهدیان، ۱۳۸۵، ص ۹۰)، اما دارای کاستی‌هایی در این زمینه از جمله عدم استقلال در مقابل دولت‌هایی بود که خود از حقوق بشر سوءاستفاده می‌کردند (رابرتسون، ۱۳۸۳، ص ۸۴؛ گبینی، ۱۳۸۶، ص ۱). به همین دلیل، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۵ مارس ۲۰۰۶، تصمیم گرفت تا کمیسیون حقوق بشر را با یک مرجع جدید در یک سطح بالاتر - شورای حقوق بشر - جایگزین نماید. یکی از ویژگی‌های عمده شورای جدید، برقراری یک مکانیزم بازنگری دوره‌ای فراگیر^۱ بر اجرای حقوق بشر در همه کشورها می‌باشد. هر چند دلایل دیگری نظیر سیاست‌زدایی^۲ از کمیسیون (سابق) و پرهیز از نظارت هم قطار^۳ و رفتار مساوی فراگیر با دولت‌ها نیز عنوان شده است (نواک، ۲۰۰۷، ص ۱). ولی آیا شورای حقوق بشر می‌تواند در جهت رعایت، حمایت^۴ و تحقق^۵ حقوق شهروندان جهانی موفق باشد؟

مکانیزم دیگر در جهت تحقق اهداف حقوق بشر بین‌الملل، تشکیل کمیته حقوق بشر^۶ سازمان ملل متحد است. ولی وابستگی شدید کمیته حقوق بشر، چه از حیث انتخاب افراد که عمدتاً از میان سخن‌گویان دولت‌ها صورت می‌گیرد و چه از حیث بودجه و موقعیت به دبیرخانه سازمان ملل متحد، آن را از مسیر اصلی خود منحرف کرده است. تعداد شکایت‌هایی که تاکنون به کمیته ارجاع شده است، نشان از ناکامی این نهاد شبه قضایی در انجام وظایف محوله دارد (رابرتسون، ۱۳۸۳، صص ۹۱ و ۹۵).

موفقیت یک نهاد کاملاً قضایی در رسیدگی به موارد نقض حقوق بشر را می‌توان در الگوی دادگاه اروپایی حقوق بشر^۷ متجلی دید.^۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۹ که از سوی کمیته

1. Universal Periodical Review Mechanism

2. Depoliticisation

3. Peer Review

4. Protect

5. Realize

۶. این کمیته بر اساس ماده ۲۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به وجود آمده است و هنوز به فعالیت خود ادامه می‌دهد. مقر کمیته در ژنو است و مرجعی برای شکایت قربانیان نقض حقوق بشر (اشخاص و گروه‌ها) است.

7. European Court of Human Rights

۸. این دادگاه در سال حدود ۱۰۰۰ پرونده در رابطه با ۴۶ کشور عضو رسیدگی می‌کند.

9. European Convention on Human rights

وزیران اروپا^۱ تصویب گردید، کمیسیونی^۲ را پیش‌بینی کرده است که وظیفه آن ارجاع پرونده‌ها به دادگاه اروپایی حقوق بشر، واقع در شهر استراسبورگ کشور فرانسه می‌باشد.^۳ دادگاه اروپایی حقوق بشر به الگویی برای دادگاه [جهانی] حقوق بشر تبدیل شده و اثبات کرده است که حقوق بین‌الملل می‌تواند آزادی‌های سیاسی را در مجموعه‌ای از کشورها با فرهنگ و سنت‌های مختلف اعمال کند (رابرتسون، ۱۳۸۳، ص ۱۰۱). دادگاه اروپایی حقوق بشر، با وجود ضعف و کاستی‌ها، نمونه موفقی از تصمیم برخی از کشورهای دنیا است. عده‌ای این موفقیت والا را در استقلال دادگاه از سازمان ملل متحد می‌دانند (رابرتسون، ۱۳۸۳، ص ۱۰۰؛ سیمبر، ۱۳۸۲، ص ۳۴). به نظر می‌رسد، تجربه استراسبورگ قابل تعمیم به سایر نقاط جهان نیز می‌باشد. تجربه دادگاه اروپایی حقوق بشر، نیز سبب شده است تا افراد بسیاری برای جلب حمایت دادگاه اروپایی به دنبال تغییر تابعیت خود و یا کسب تابعیت مضاعف باشند.

در سطح قاره‌ی آمریکا، نیز به موجب کنوانسیون ۱۹۶۹، دادگاه میان آمریکایی حقوق بشر^۴ تأسیس گردید که محل استقرار آن شهر سان خوزه^۵ کشور کاستاریکا^۶ است که صلاحیت رسیدگی به موارد نقض حقوق بشر را دارد. آرای نسبتاً اندکی که این دادگاه تاکنون صادر کرده، در توسعه‌ی قوانین حقوق بشر، تأثیر زیادی داشته است. این دادگاه بیش‌تر بر مبنای مدل دادگاه اروپایی حقوق بشر، قبل از اصلاحات پایه‌گذاری شده است. بدین معنی که هرگونه شکایت ابتدا باید به کمیسیون آمریکایی حقوق بشر تسلیم شود و دسترسی مستقیم به دیوان امکان‌پذیر نیست (تاموشات، ۱۳۸۶، صص ۳۱۴ و ۳۸۲). با گذشت حدود سه دهه از تأسیس این دادگاه، ترازنامه کمی اقدامات آن یک رکورد ضعیف را نشان می‌دهد. البته، با توجه به تغییر قواعد آیین دادرسی دادگاه ممکن است، این وضع تغییر کند.

در سطح آفریقا، نیز به موجب پروتکل منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم (۱۹۹۸)، تأسیس

1. Committee of Ministers of the Council of Europe

2. European Commission of Human Rights

۳. کمیسیون فوق به موجب پروتکل شماره ۱۱ از ساختار قضایی ارگان‌های استراسبورگ حذف شده است. ر.ک:

ژان، پرادل و گرت کورستنز. حقوق کیفری اروپایی. ترجمه دکتر محمد آشوری. ۱۳۸۶، جلد اول.

4. Inter- American Court of Human Rights (IACHR)

5. San Jose

6. Costa Rica

یک دادگاه حقوق بشر^۱ پیش‌بینی گردیده است. بر همین مبنا و مشابه معاهده اروپایی، کمیسیونی تشکیل شد که در شهر بانجول گامبیا مستقر است.^۲ در حال حاضر، دادگاه آفریقایی حقوق بشر و مردم^۳ تشکیل شده است (نواک، ۲۰۰۷، ص ۲۵۷). ولی تاکنون سابقه‌ی قضایی از خود برجای نگذاشته است.

متأسفانه در سطح قاره‌ی آسیا، تاکنون هیچ سیستم خارجی یا منطقه‌ای برای رسیدگی به موارد نقض حقوق بشر پیش‌بینی نشده است. به همین دلیل است که برخی آسیا را سرزمینی عقیم برای حقوق بشر می‌دانند (وارنر، ۱۳۸۲، ص ۷۹). دلایلی چند در عدم توفیق در تأسیس یک دادگاه منطقه‌ای حقوق بشر، عنوان شده است (وارنر، ۱۳۸۲، ص ۷۹؛ رابرتسون، ۱۳۸۳، ص ۱۰۳) که از حوصله این تحقیق خارج است. اما برای جنبش حقوق بشر و فعالان این عرصه و نهادهای غیر دولتی و نمایندگان دیپلماتیک جای تأسف دارد، در حالی که صنعت فوتبال دارای دو اتحادیه منطقه‌ای و بین‌المللی برای حل و فصل اختلافات این رشته ورزشی می‌باشد، و مسایل نازل‌تری از مسایل حقوق بشری را رسیدگی می‌کند، اما برای ارتقا، توسعه و حمایت از قوانین حقوق بشر هیچ نهاد قضایی یا شبه قضایی پیش‌بینی نشده است.

رابطه دادگاه جهانی حقوق بشر با دادگاه‌های ملی و بین‌المللی

همان‌گونه که گفته شد، دادگاه جهانی حقوق بشر در طول رسیدگی دادگاه‌های ملی قرار خواهد داشت. از این رو، بین صلاحیت آنها تعارضی وجود نخواهد داشت. دادگاه جهانی حقوق بشر زمانی شروع به رسیدگی خواهد کرد که دادگاه‌های ملی قادر به رسیدگی نبوده یا ناتوان از رسیدگی بوده یا رسیدگی‌های انجام شده، ناعادلانه باشد و یا بی‌طرفانه نبوده و تشریفات دادرسی رعایت نشده باشد. معیارها و ضوابط فوق را اساسنامه دادگاه تعیین خواهد کرد.

درخصوص رابطه دادگاه جهانی حقوق بشر با دادگاه‌های بین‌المللی بایستی یادآوری کرد که

1. Protocol to the African Charter of Human and Peoples Rights on the establishment of an African Court on Human and Peoples Rights 1998,6 IHRR 891(1999).
2. For first comments see krish, The Establishment of an African Court on Human and Peoples Rights , 58 ZOORV(1998)713;
3. African Court on Human and Peoples Rights

رسیدگی در این دادگاه هیچ‌گونه تداخلی با دادگاه‌های کیفری بین‌المللی اختصاصی^۱ نخواهد داشت؛ زیرا دادگاه‌های اختصاصی برای رسیدگی به جرایم خاصی که در یک برهه زمانی واقع شده‌اند، تشکیل شده‌اند و بعد از اتمام رسیدگی منحل خواهند شد. رسیدگی در دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) نیز براساس شرایط خاصی واقع می‌شود که با شرایط رسیدگی در دادگاه جهانی حقوق بشر تفاوت خواهد داشت. جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) جرایم محدودی هستند، نظیر جنایات ژنوساید، جنایات علیه بشریت و جنایت جنگی و تجاوز. در مورد جنایات جنگی لزوماً تحقق آنها در زمان جنگ مدنظر است. در مورد جنایت ژنوساید و جنایات علیه بشریت نیز به لحاظ آستانه بالای صلاحیت رسیدگی به این جرایم، نظیر اثبات وجود قصد خاص^۲ و یا وجود حمله گسترده یا سیستماتیک در تعقیب سیاست یک کشور، اثبات آنها امری دشوار است. ضمن آنکه جرایم فوق همه حقوق و آزادی‌های اساسی افراد را پوشش نمی‌دهد. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز خروج موضوعی دارد؛ زیرا این مرجع قضایی بین‌المللی به حل و فصل اختلافات دولت‌ها مربوط است و به شکایات اشخاص اساساً رسیدگی نمی‌کند، دادگاه جهانی حقوق بشر وظیفه رسیدگی به شکایات اشخاص بر ضد دولت‌ها در قبال نقض حقوق و آزادی‌های اساسی را دارد. به عبارت دیگر، وظیفه دادگاه جهانی حقوق بشر رسیدگی به موارد نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمان صلح بدون نیاز به شرایط آستانه صلاحیت، نظیر آنچه در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی است. در حال حاضر، برای رسیدگی به نقض حقوق بشر دوستانه بین‌المللی که عمدتاً در زمان جنگ واقع می‌شود، دادگاه کیفری بین‌المللی پیش‌بینی شده است، اما برای نقض حقوق بشر از جمله عدم رعایت حقوق مطرح در منشور حقوق بشر، شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و پروتکل‌های آنان هیچ مرجعی پیش‌بینی نشده است. همان‌گونه که گفته شد، مراجع شبه قضایی نظیر کمیسیون (سابق) حقوق بشر، کمیته حقوق بشر و شورای حقوق بشر ناتوان از جلوگیری نسبت به نقض حقوق بشر در قلمرو حاکمیت ملی کشورها هستند.

جالب آنکه، نبود مرجع قضایی جهت رسیدگی به موارد نقض حقوق بشر، سبب گردیده

۱. نظیر دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (ICTY).

(ICTR)

2. Special Intent

است تا با گذشت بیش از چهل سال از تصویب میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سعی دارد از طریق تصویب یک پروتکل اختیاری یک نظام شکایت فردی در موارد نقض حقوق مورد حمایت میثاق، ایجاد کند (سادات اخوی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۲). در متن میثاق، امکان طرح شکایت در خصوص نقض مقررات بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیش‌بینی نشده بود. تأکید میثاق بر تدریجی بودن تحقق حقوق مندرج در میثاق و وابسته بودن آنها به منابع موجود دولت‌ها، این تصور را ایجاد کرده بود که حقوق مندرج در میثاق قابل وخواهی نیستند. اینک بعد از گذشت بیش از چهل سال، با رها کردن این تفکر، پروتکل اختیاری میثاق به دنبال ایجاد یک نظام رسیدگی به شکایات در زمینه نقض حقوق مذکور در میثاق است (سادات اخوی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۲).

موانع در مسیر تأسیس دادگاه جهانی حقوق بشر

موانع تشکیل دادگاه جهانی حقوق بشر، سیاسی و حقوقی می‌باشد: مهم‌ترین مانع سیاسی در مسیر تشکیل دادگاه جهانی حقوق بشر، حاکمیت ملی کشورها می‌باشد (رابرتسون، ۱۳۸۳، ص ۲۷). این حاکمیت، البته، بارها با تشکیل دادگاه‌های کیفری بین‌المللی دائم و موقت (نظیر دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا) محدود گردیده، و رو به افول نهاده است. دولت‌ها، اغلب به راحتی صلاحیت دیوان‌های داور بین‌المللی را در خصوص دعاوی مدنی و تجاری می‌پذیرند، ولی قبول صلاحیت کیفری نهادی غیرملی مقبولیت چندانی نداشته است.

تشکیل دادگاه حقوق بشر با دو مسأله روبرو است: تضمین احترام به حقوق ذاتی بشر و حفظ حاکمیت دولت‌ها از سوی دیگر. حقوق بشر در راه حفظ حیثیت ذاتی انسان، نوع بشر را اولویت می‌بخشد و حکومت نیز به عنوان مدافع اجتماع و حافظ دوام دولت، در بسیاری موارد محدود شدن اجرای حقوق بشر را لازم می‌بیند (خالقی، ۱۳۸۰، ص ۷۰؛ پروین، ۱۳۸۷، ص ۱۱۳). تلاش برای یافتن نقطه تعادل میان اجرای حقوق بشر و حفاظت از مؤلفه‌های سیاسی ملی، سرچشمه بسیاری از تنش‌های شدید سیاسی در درون دولت‌ها بوده است (خالقی، همان). یکی از نظریه‌پردازان در ارتباط با حاکمیت معتقد است: بحرانی اساسی میان مبانی نظام بین‌المللی که خواستار رعایت عدالت در خصوص معیارهای حقوق بشری است، از یک طرف، و توافقات اساسی بین کشورها برای همزیستی و به رسمیت شناختن حاکمیت همدیگر از سوی

دیگر، وجود دارد (پروین، همان، ص ۱۱۲). بروز و پایداری سیستم حاکمیتی و پیشرفت و تحول نظام بین‌المللی حقوق بشر، پیوسته و دائما از طریق تناقض دو جانبه میان حقوق بشر و حاکمیت، مرتبط می‌باشند. گروهی که به بدبین‌ها معروف هستند، حاکمیت را سدی محکم به شمار می‌آورند که علیه وضعیت کنونی حقوق بشر ایستاده است. گروهی دیگر که به خوشبین‌ها معروف هستند، تصور می‌کنند: نظام حاکمیت، از سوی نظام حقوق بشر در معرض خطر است (پروین، همان، ص ۱۱۳).

قبل از آغاز جنگ جهانی اول، اصل احترام متقابل میان دولت‌ها از یک طرف، و نگرش به فرد به عنوان شهروند یک کشور خاص، و حمایت از وی در محدوده حاکمیت دولت متبوع، غالب بود. بعد از پایان جنگ جهانی اول، نگرش نو به مسأله حقوق بشر، شکل گرفت و جنگ جهانی دوم نیز به این نگرش نو که مبنی بر حمایت بین‌المللی از فرد بود، شتاب بخشید. در این نگرش دوره‌ی جدید، فرد محتوای جهانی شدن و جهانی شدن محتوای حقوق بشر را تشکیل می‌دهد. به عبارت روشن‌تر، به فرد خارج از عضویت‌های گوناگون وی نظیر تابعیت، قومیت، جنسیت و... نگریسته می‌شد. از این تاریخ به بعد، احترام و رعایت جهانی حقوق بشر برای همه، عاری از هرگونه تبعیض، شعار و گفتمان غالب و دیرپای همه اسناد و محافل بین‌المللی گردید. ساختار بین‌الدولی حقوق بین‌الملل در عرصه‌ی حمایت از حقوق بشر، تدوین و اجرای این حقوق را منوط به تصمیم‌گیری دولت‌ها نموده است. این ساختار موجبات کندی فعالیت‌ها در زمینه تأمین حقوق بشر را فراهم آورده است (خالقی، همان، ص ۷۳؛ پروین، همان، ص ۱۱۳).

موانع حقوقی را می‌توان در مشروعیت و اگذاری صلاحیت کیفری به یک دادگاه بین‌المللی دانست. یکی از شبهاتی که در زمینه‌ی تشکیل دادگاه حقوق بشر می‌تواند مطرح شود، این است که آیا دولت‌ها حق دارند تا صلاحیت کیفری خود را به یک نهاد قضایی بین‌المللی واگذار کنند یا خیر.

در خصوص قانونی بودن واگذاری صلاحیت کیفری از یک دولت به دولت دیگر، تردیدی وجود ندارد، ولی در مورد واگذاری صلاحیت کیفری به یک دیوان بین‌المللی نظیر دیوان کیفری بین‌المللی (دایمی) تردید وجود دارد. پروفیسور موریس^۱ عقیده دارد که واگذاری

1. Morris

صلاحیت کیفری (اعم از سرزمینی یا جهانی) به یک دیوان بین‌المللی صحیح نیست؛ زیرا نتایج اعمال صلاحیت از سوی یک دادگاه بین‌المللی با آن چه که از سوی یک دادگاه ملی انجام می‌شود، اساساً متفاوت است (آکاندی، ۱۳۸۵، صص ۴۷۶-۴۷۷). برخی دیگر عقیده دارند، دلایل اصولی مهم و سوابق کافی وجود دارد که نشان می‌دهد، واگذاری صلاحیت ملی به دادگاه‌های بین‌المللی، به طور عام، و به دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، به طور خاص قانونی می‌باشد (آکاندی، ۱۳۸۵، صص ۴۶۵-۴۶۷).

به نظر می‌رسد، با توجه به وضع موجود حقوق و عرف بین‌الملل و نیز رویه قضایی دادگاه‌ها تردیدی در برچیدن این موانع باقی نمانده است. به نظر نگارنده، اسناد بین‌المللی موجود، تجویز قانونی لازم را برای تأسیس یک دادگاه جهانی حقوق بشر فراهم می‌آورند، از جمله مقدمه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که مقرر می‌دارد: دولت‌ها بر طبق منشور ملل متحد به ترویج احترام جهانی و موثر رعایت حقوق و آزادی‌های بشر ملزم هستند.^۱ همین طور ماده ۲۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۲ نیز بستر قانونی لازم را جهت تشکیل دادگاه جهانی حقوق بشر فراهم کرده است. بر مبنای همین ماده بود که مجمع عمومی سازمان ملل از کمیسیون حقوق بشر خواست تا معاهده‌ای را تهیه و تدوین نماید که بر اساس آن و پروتکل الحاقی‌اش، کمیته‌ای تشکیل گردد که قربانیان نقض حقوق بشر، حق داشته باشند که به کمیته مزبور به عنوان مرجع بین‌المللی شکایت نمایند.

نگرانی که ابراز می‌شود، درخصوص توسعه و گسترش دیوان‌های بین‌المللی و تعارض احتمالی صلاحیت آنها می‌باشد.^۳ تا چندی پیش دیوان بین‌المللی دادگستری^۴، «برجسته‌ترین و تنها دیوان بین‌المللی بوده است.» ولی در حال حاضر، دادگاه‌های متعددی اعم از دایم یا موقت، بین‌المللی و مختلط تشکیل شده است. با این همه، اکثر صاحب نظران، گسترش دیوان‌های

۱. ماده ۲۸ اعلامیه حقوق بشر مقرر می‌دارد: هرکس حق دارد برقراری نظم را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین‌المللی حقوق و آزادی‌هایی را که در این اعلامیه ذکر گردیده است تأمین نماید و آنها را به مورد عمل گذارد.
۲. برای اطلاع از ابراز نگرانی‌ها نسبت به تشکیل دادگاه‌های بین‌المللی اعم از کیفری و حقوقی ر.ک: خارارائو، پی. چاندراسی (۱۳۸۴).

دادگاه بین‌المللی حقوق دریا: یک از ریایی (ترجمه علی قاسمی). مجله حقوقی مرکز امور حقوقی بین‌المللی. شماره ۳۳، ص ۲۶۲.

۳. International Court of Justice

بین‌المللی را با یک نگاه مثبت و تحول سازنده ارزیابی می‌کنند (خارا رائو، ۱۳۸۳، ص ۲۴۵). نگرانی دیگری که وجود دارد این است که ممکن است تصور شود، تأسیس دیوان‌های جدید تخصصی جهانی با ویژگی‌های دائمی یا موقت (نظیر دیوان دائمی کیفری بین‌المللی و...) به حقوق بین‌الملل صدمه زده و آینده آن را تهدید نماید. با وجود نگرانی ابراز شده در دهه‌ی اخیر مبنی بر این که توسعه مراجع قضایی به یکپارچگی حقوق بین‌الملل صدمه می‌زند، اما یافته‌های تجربی این نگرانی را برطرف می‌کند و تأیید نمی‌نماید (قاسمی، ۱۳۸۴، ص ۲۶۲).

به نظر می‌رسد، هرچند هر دیوان یا دادگاه بین‌المللی فی‌نفسه مستقل است، ولی از تصمیمات مراجع دیگر نباید غافل بماند تا در نتیجه‌ی آن توسعه موزون حقوق بین‌الملل تضمین گردد.^۱ به منظور جلوگیری از تعدد مراجع قضایی بین‌المللی و پرهیز از چند تکه‌کردن حقوق بین‌الملل و صرفه‌جویی در هزینه‌ها و... می‌توان پیشنهاد کرد که رسیدگی به موارد نقض و تخلفات فاحش حقوق بشر به دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) واگذار شود.

در پایان باید گفت که رسیدگی در دادگاه جهانی حقوق بشر منوط به این است که ابتدا کلیه راه‌های شکایت در مراجع داخلی طی شده باشد. به عبارت دیگر، قاعده طی مراجع داخلی در کلیه موارد نقض حقوق بشر لازم‌الرعایه است (سان خوزه جیل، ۱۳۷۹، ص ۲۶۴). منطق این قاعده هم بسیار روشن است. زیرا دولت‌ها فرصت می‌یابند، هرگونه تخلفی را که ممکن است، مرتکب شده باشند، قبل از این که در سطح بین‌المللی مسؤول شناخته شوند، رفع نمایند (تاموشات، ۱۳۸۶، ص ۳۲۷). البته، برای تشکیل دادگاه جهانی حقوق بشر بایستی اساسنامه‌ای از سوی کشورها پذیرفته شود. کشورها نیز در پیوستن به این دادگاه آزاد باشند و درخصوص معاهداتی که در مورد آنها اجرا می‌شود نیز حق انتخاب خواهند داشت (نواک، ۲۰۰۷، ص ۲۵۳).

نتیجه

با پایان جنگ سرد و از بین رفتن ارزش نبردهای ایدئولوژیکی، امکان تشکیل یک دادگاه جهانی حقوق بشر فراهم گردیده است. ضرورت دخالت جامعه جهانی از طریق تأسیس یک مرجع قضایی بین‌المللی و مستقل از سازمان ملل متحد غیر قابل انکار است و توجه محافل و

1. J.Charny, KIs International Law threatened by Multiple International Tribunal RDC271(1998), pp.115-382.

صاحب‌نظران بین‌المللی را به خود جلب کرده است. جهان در نیم قرن گذشته، با انبوهی از قواعد تکراری و مشابه که در کنفرانس‌ها، کمیسیون‌ها و معاهده‌های سازمان ملل متحد پدید آمده‌اند، مواجه بوده است. اکنون وقت آن رسیده است که با کمک یک دادگاه بین‌المللی دارای استقلال کافی که قضات آن از آگاهی و دانش قضایی بالایی برخوردار باشند، برخی از این قواعد به اجرا درآید.

بهتر است، به جای تشکیل مراجع قضایی و شبه قضایی متعدد بین‌المللی و منطقه‌ای، یک دادگاه واحد جهانی با حمایت و پشتیبانی تمامی کشورها برای رسیدگی و دادخواهی نسبت شکایات افراد از نقض حقوق مندرج در منشور حقوق بشر (شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و پروتکل‌های آنان) تشکیل شود. این امر باعث می‌شود از ایجاد نهادهای موازی پرهیز گردد و تفاوت فاحش در رویه دادگاه‌ها از بین برود، هزینه‌های مالی مکرر به دولت‌ها تحمیل نگردد و آرای آنها نیز از اعتبار بیش‌تری برخوردار گردد.



منابع و مأخذ:

- ۱- آکاندی، داپو (۱۳۸۵)، "صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به اتباع دولت‌های غیر عضو: مبانی حقوقی و محدودیت‌ها"، (ترجمه دکتر حسین آقای جنت مکان). مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه بهشتی، صص ۴۶۵-۵۲۰.
- ۲- امام جمعه‌زاده، سیدجواد (۱۳۸۶)، "شهروندی جهانی"، مجله فصلنامه مطالعات بین‌المللی. ش ۱ (پیاپی ۱۴) سال چهارم.
- ۳- پروین، خیرالله، "حقوق بشر و تأثیر آن بر حاکمیت ملی دولت‌ها"، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. دوره ۳۸. ش ۴.
- ۴- پی‌چاندرا سی خارا، راثو (۱۳۸۴)، "دادگاه بین‌المللی حقوق دریا: یک ازریایی"، ترجمه علی قاسمی، مجله حقوقی مرکز امور حقوقی بین‌المللی، ش ۳۳، صص ۲۴۵-۲۷۰.
- ۵- پیر، ماری دیویی. (۱۳۸۴)، "قواعد بنیادین حقوق بین‌المللی کیفری و قواعد آمره"، (ترجمه سید علی هنجی). مجله حقوقی مرکز امور حقوقی بین‌المللی. ش ۳۳
- ۶- تاموشات، کریستیان (۱۳۸۶)، "حقوق بشر"، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- ۷- خالقی، کیومرث (۱۳۸۰)، "تبادل میان حقوق ذاتی بشر و زیرساخت‌های ملی"، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۱۶۵-۶.
- ۸- ذاکریان، مهدی (۱۳۸۶)، "گسست‌ها و پیوندهای حقوق بشری اروپا"، مجله فصلنامه مطالعات بین‌المللی. ش ۱ (پیاپی ۱۴) سال چهارم.
- ۹- رابرتسون، جفری (۱۳۸۳)، "جنایات علیه بشریت"، (ترجمه گروه پژوهشی ترجمه دانشگاه علوم اسلامی رضوی). دانشگاه علوم رضوی.
- ۱۰- رستم‌زاده، حسینقلی (۱۳۸۴)، "جامعه بین‌المللی و تعهدات بین‌المللی"، مجله حقوقی مرکز امور حقوقی بین‌المللی. شماره ۳۳،
- ۱۱- رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۷)، "پویایی حقوق بین‌الملل و پایایی شکنجه"، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی). دوره ۳۸، ش ۱.

- ۱۲- ژان، پرادل و گرت کورستنز (۱۳۸۶)، "حقوق کیفری اروپایی"، ترجمه دکتر محمد آشوری. جلد اول.
- ۱۳- سادات اخوی، سید علی (۱۳۸۷)، "پیشنویس پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی"، (۴ آوریل ۲۰۰۸). فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. دوره ۳۸. ش ۴
- ۱۴- سان خوزه جیل، آمپارو (۱۳۷۹)، "مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر"، (ترجمه ابراهیم بیگ زاده). مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه بهشتی. شماره ۲۹-۳۰.
- ۱۵- سیمبر، رضا (۱۳۸۲)، "سیاست خارجی آمریکا و حقوق بشر"، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره‌های ۱۹۳-۴.
- ۱۶- عباسی اشلقی، مجید (۱۳۸۲)، "نقش و جایگاه سازمان ملل متحد در اجرای مداخلات بشردوستانه"، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره‌های ۱۹۳-۱۹۴.
- ۱۷- گبینی، مارک ورید وود (۱۳۸۶)، "چشم انداز شورای حقوق بشر جدید سازمان ملل متحد"، مجله فصلنامه مطالعات بین‌المللی. ش ۱ (پیاپی ۱۴) سال چهارم.
- ۱۸- گودوین، گیل، گای اس (۱۳۸۶)، "انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین‌المللی"، سید جمال سیفی و قاسم زمانی (مترجمان)، چاپ دوم.
- ۱۹- مهدیان، حسن (۱۳۸۵)، "برپایی شورای حقوق بشر: گام نخست در اصلاح ساختار سازمان ملل متحد"، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۲۲۳-۴.
- ۲۰- نوع پرست، زهرا (۱۳۸۱)، "جهانی شدن و حقوق کیفری بین‌المللی"، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۱۷۹-۱۸۰.
- ۲۱- وارنر، دانیل (۱۳۸۲)، "حقوق بشر و حقوق بشردوستانه (کنکاشی برای جهانی ساختن)"، ترجمه سلاله حبیبی امین. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- 22- Nowak, Manfred (2007), "The Need for a World Court of Human Rights. *Human Rights Law Review*" 7(1)
- 23- Killander, Magnus (2008), "The African Peer Review Mechanism and Human Rights: The First Reviews and the Way Forward. *HRQ*". Volume 30, No 12
- 24- Pogge, Thomas (2007), "Freedom from poverty as human rights: Who owes what to the very poor?" OUP.
- 25- Nowak Manfred (2003), "Introduction to the International Human Rights regime" (Leiden: martinus Nijhoff).